

# نقد و نظری بر مقاله تربیت و امنیت محمد داوری

محمد رضا نبیئی

هنگامی که اهل فرهنگ زبان در کام باشند و در بازداشت بسر برند و زیر تیغ تیز اخراج یا تهدید به اخراج قرار گیرند، هنگامیکه فرهنگیان سالها و بارهاست غم معیشت را کف خیابان فریاد میزنند و گوش شنوایی نیست.

بهدستی میتوان حضور سرهنگان را حمل بر اهمیت و اولویت تعلیم و تربیت فرض کرد .

حضور نظامیان در مدارس با یونیفورم یا بدون یونیفورم نگاه از موضع بالای نظامیان به جامعه فرهنگی است اگر فرهنگ و تعلیم و تربیت در صدر نشسته باشد این فرهنگیان اند که بایستی به عنوان استاد و مدرس سبک زندگی ، مشاور و روانشناس ، باز خوان حقوق شهروندی و هنجار پذیری اجتماعی، مباحث مشارکت جمعی و تقویت روح جمعی ، استحکام نهاد خانواده و... در مراکز نظامی حضور پیدا نموده و تدریس کنند .

اینجاست که میتوان از تقدم تربیت بر امنیت و اولویت کار فرهنگی بر کار سرهنگی، و پیشتاز بودن امر آموزش بر امور نظامی گری سخن گفت.

آنقدر سطح انتظارات و توقعات جامعه فرهنگی نادیده گرفته شده و امر تعلیم و تربیت به حاشیه رانده شده است که مشعوف از حضور نظامیان در مدارس صرفا برای تقدیر لفظی و صوری از متولیان فرهنگی شده ایم.

اقدام به تقدیر بیانگر نگاه بالادستی بر پایین دستی است بر عکس این حالت اگر اتفاق افتاد که جامعه فرهنگی و متولیان تربیتی از نظامیان بخاطر رفتاری اجتماعی، فرهنگی و علمی در خور و شایسته تقدیر کنند اهمیت تربیت را در ذهن متبادر میسازد.

گویند :درجه دار استوار دومی در ارتش پهلوی بعد از گرفتن سلام نظامی از سربازان، هنگام تنفس کلاه خود را بر علمکی آویزان میکرد تا زیردستان حضور او را بالای سر حاضر و ناظر ببینند و خود را آزاد و یله احساس نکنند.

همه جریانها در طول تاریخ ، نفوذ و تسلط بعدی خود را با تکریم و تعظیم و تحسین و تحبیب و بزرگداشت جامعه هدف شروع کرده اند.

#اختصاصی سخن معلم